

<p>روزنامه خراسان شمالی: گروه چهارم نشریات روزانه سیاسی-اقتصادی فرهنگی-اجتماعی خراسان شمالی یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۹</p> <p>۲۵ شعبان ۱۴۴۱، شماره ۲۲۵۱</p>	<p>صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان مدیر مسئول: محمد سعید احدیان سرمدیر: علی ولیزاده دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی (سازمان آب)</p>	<p>صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۳۲۰۰۰ نمابر صندوق: ۰۵۱-۳۷۲۳۲۹۵ دفتر مگزینی پذیرش انجمن: ۳۲۲۴۵۰۰۵</p>	<p>آدرس: بخورد، خیابان طالقانی غربی، خیابان سسده به لیاف، سسده به لیاف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹ تلفن اشتراک: ۰۵۱-۲۲۲۴۰۰۷۱ صندوق پستی: ۹۴۱۵۵/۱۴۷۷ دفتر مگزینی پذیرش انجمن: ۳۲۲۴۵۰۰۵</p>	<p>تحریریه: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۴۲۲۱۱ نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۴۲۲۱۱ مسئول تحریریه: ۰۲۸-۳۲۲۳۰۰۰۰ تلفن و نمابر سرپرست: ۳۲۲۳۰۰۰۱۴</p>	<p>خراسان شمالی</p>
---	--	--	--	---	----------------------------

داستان یک خانواده که هر قطعه اش به جایی پرت شده است

خاکستر به جای سایه سر

صدیقی

برعکس خیلی ها مشتاق دیدار پدرشان نبودند. پدر تکیه گاه آن ها و برای رسیدن به خواسته های دودی اش از هر شری گریزان نبود. پسر ۱۶ ساله به جای مهر و محبت و نان و کباب پدرش، سیخ داغ را روی تنش حس می کرد و در جای جای بدنش هم آزار پدر شیشه ای اش نمایان است. به جای مدرسه رفتن و گرفتن قلم روشنایشش، ناچار سر از پاتوق درآورد و سیخ و سنجاق به دست گرفت. زندگی اش در هزار توی مشکلات گیر کرده است و اکنون به دنبال سرنوشت خود سر چهارراه ها تکیه گیری می کند.

۱۱ سال داشت که به دنبال کار می گشت. برای صاحب مغازه ها پادویی می کرد تا با شندرغازی که گیرش می آمد برای خود لباس و مقداری خوراکی بخرد. پسر نوجوان حسرت خیلی چیزها را در زندگی اش کشید و به هیچ کدام از آرزوهایش نرسید. لباس، خورد و خوراک درست و از همه مهم تر مدرسه رفتن برایش به یک آرزوی دور و دراز تبدیل شد. پدرش معتاد بود و اصلا تن به کار نمی داد و مدام مادرش را زیر مشت و لگد می گرفت تا از او پولی بگیرد و با خرید مواد تن خمیده و خمارش را راست کند.

البته به گفته پسر درد کشیده، پدرش اوایل تریاک مصرف می کرد و با کارگری و یارانه خرج زندگی شان را می داد اما زمانی که در دام شیشه افتاد دیگر اوضاع عوض شد و از خلق و خوی نرم و سر کار رفتن خبری نشد و مثل سنگ، دلش سفت و بی رحم شد. پسرک و مادرش از دست او به خاطر اعتیادش کلافه می شوند و ناپدید شدن سایه سرشان آرزوی شان می شود تا شاید اعضای خانواده مدتی را بدون کتک و شکنجه سپری کنند. به گفته پسر نوجوان در تله اعتیاد افتاده روزی که پدرش پی مواد فشنه می رود ترسانک و خشن می شود و بعد از آن با کوچک ترین اعتراض مادرش به شدت او را کتک می زند و برای ختم ماجرا هر بار پای پلیس به خانه

باز می شود و ماجرا با تعهد پدرش برای تکرار نکردن کارهای زشتش خاتمه می یابد. مادر خانواده به ناچار قالی بافی می کند تا شکم چند بچه قد و نیم قد خود را سیر کند اما پول اندکی را هم که از راه قالی بافی به دست می آورد شوهرش با زور و کتک از وی می گیرد تا خرج موادش کند.

پسر ۱۶ ساله می گوید: با کمک خیران محله پدرم را چندین بار در کمپ بستری کردند اما فایده ای نداشت و او بعد از این که از کمپ خارج می شد فقط یک روز را بدون سر و صدا سپری می کرد و بعد از آن دوباره سراغ مواد

می رفت و دست آخر نیز کتک زند و داغ کردن های ما شروع می شد. پسرک که درس خواندن و خوردن دل سیر غذای گرم برایش آرزو بود تصمیم می گیرد به دنبال کار برود تا شاید به آرزوهای پیش پا افتاده اش برسد. داخل پاساژها پادویی می کند تا با پولش به چیزهایی که دوست دارد، برسد اما این شندرغاز پول برای مدرسه رفتن و خرید کتاب و لباس کافی نیست و مادرش هم به زور با کار در خانه های مردم و قالی بافی فقط یک وعده غذای کافی می دهد و برادر کوچک ترش می دهد و بقیه پول را هم پدرش خرج نشسته خودش می کند. پدر گرفتار در لجن زار افیون برای مدتی بی خبر از همه خانه را ترک و خودش را ناپدید می کند



او بعد از این که از کمپ خارج می شد فقط یک روز را بدون سر و صدا سپری می کرد و بعد از آن دوباره سراغ مواد می رفت و دست آخر نیز کتک زند و داغ کردن های ما شروع می شد. پسرک که درس خواندن و خوردن دل سیر غذای گرم برایش آرزو بود تصمیم می گیرد به دنبال کار برود تا شاید به آرزوهای پیش پا افتاده اش برسد. داخل پاساژها پادویی می کند تا با پولش به چیزهایی که دوست دارد، برسد اما این شندرغاز پول برای مدرسه رفتن و خرید کتاب و لباس کافی نیست و مادرش هم به زور با کار در خانه های مردم و قالی بافی فقط یک وعده غذای کافی می دهد و برادر کوچک ترش می دهد و بقیه پول را هم پدرش خرج نشسته خودش می کند. پدر گرفتار در لجن زار افیون برای مدتی بی خبر از همه خانه را ترک و خودش را ناپدید می کند

و به دنبال مواد مدام از این سو به آن سو در خیابان ها پرسه می زند. پسر نوجوان به همراه مادر و برادر کوچک ترش نه تنها از این اتفاق ناراحت نمی شوند بلکه برعکس خوشحالی هم می کنند چون حداقل چند صبحی را بدون جنگ و جدل و کابوس سپری خواهند کرد اما این آرزوی شان زیاد دوام نمی آورد و دوباره کابوس روی خانه و دیوارشان آوار می شود و روز از نو و روزی از نو.

پسر نوجوان رنگ پریده می گوید: یک روز پدرم بی خبر از خانه خارج شد و برای مدتی خبری از او نشد. چند ماه از این ماجرا گذشت و فقط گاهی اوقات از طریق همسایه ها باخبر می شدیم که پدرم کارتن خواب شده است و زیر پل ها می خوابد. از ناپدید شدن پدرم خیلی

خوشحال شدیم. با توجه به این که به ناچار ترک تحصیل کرده بودم در یک مغازه به عنوان شاگرد مشغول به کار شدم. صاحب کارم آدم دلسوزی بود و هر چند وقت یک بار چند دست لباس به من و برادر کوچک ترم می داد تا در سرما تن مان نلرزد و در شب عید آرزوی لباس نو در دل مان سنگینی نکند. به خاطر شرایط بد زندگی مان برای فرار از فکر و خیال با دوستان هم ردیف خودم مواد مصرف می کردم تا این که خودم هم مثل پدرم معتاد شدم.

مادرم هم مثل من و برادر کوچک ترم از ناپدید شدن پدرمان خوشحال بود و آرزو می کرد هیچ وقت به خانه برنگردد. روزهای مان بدون حضور پدرم خیلی آرام می گذشت تا این که روزی مثل یک روح سرگردان دوباره از راه رسید و به زور وارد خانه شد و بدون مقدمه شروع به کتک زند مادرم کرد و وسایل خانه را به هم ریخت تا پس انداز مادرم را پیدا کند اما هرچه خانه را زیر و رو کرد موفق نشد.

بعد از آن پدرم ابتدا سیخ را داغ کرد تا من و برادرم را بسوزاند تا شاید مادرم تسلیم خواسته او شود و مادرم بالاخره با زور چوب و کمر بند و سیخ داغ جای پول ها را لو داد. به خاطر سر و صدای زیاد ما و جیغ زند های مادرم همسایه ها پلیس را خبر کردند و با آمدن آن ها توانستیم

از دست پدرمان نجات پیدا کنیم. او بعد از این همه آزار و اذیت خانواده اش به یک کمپ فرستاده و بعد از پایان این ماجرای دردناک سرپرستی پسر درد کشیده و معتاد نیز به خاطر شرایط خاص خانواده اش مدتی به یک مرکز حمایتی دولتی سپرده می شود تا زخم های جسمی و روحی اش التیام یابد.

بعد از آن مادر پسرک نوجوان به همراه پسر خردسال دیگرش خانه را ترک و مدتی خودشان را در گوشه ای از شهر پنهان می کنند و زندگی مخفیانه ای را در پیش می گیرند تا شاید روزی دوباره با عادی شدن اوضاع و بازگشت اعضای خانواده یک زندگی بدون دردسر و به دور از ترس سیخ داغ را شروع کنند.

میلیون ها خسارت همراه با دنیایی از افسوس برای مال باخته

کلید سارق در قفل سهل انگاری

صدیقی- سهل انگاری صاحب خودرو هزینه میلیونی روی دستش گذاشت. سارق یا سارقانی شبانه با سوءاستفاده از مجهز نبودن یک خودرو به تجهیزات ضدسرقت، وسایل داخل آن را به اصطلاح جارو کردند. مال باخته به خاطر دست دست کردنش در تجهیز و ایمن سازی درهای خودرو برای جلوگیری از دستبرد سارقان صبح یک روز بهاری با رویت سرقت لوازم خودرویش شوکه شد. او در این باره گفت: بعد از مدت ها با مشقت زیادی توانستم یک خودرو برای خودم دست و پا کنم تا با آن حداقل هر از گاهی خانواده ام را به تفریح ببرم. موقع خرید خودرو قفلی درست و از طرفی تجهیزات ضد سرقت نداشت و هر بار برطرف کردن این نقص را پشت گوش انداختم. صبح روز حادثه زمانی که سراغ خودرویم که در داخل کوچه پارک بود رفتم در کمال تعجب با صحنه عجیبی رو به رو شدم. وسایل داخل خودرو به هم ریخته بود و خبری هم از ضبط صوت و محتویات داخل داشبورد نبود.

بعد از آن وقتی سراغ صندوق عقب خودرو رفتم دیدم محتویات داخل آن از جمله آچارآلات، زاپاس، وسایل پیک نیک و تفریح و غیره نیز به سرقت رفته است. سارق یا سارقان با توجه به نبود تجهیزات ضدسرقت با خیالی راحت در خودرو را با روش خاصی و بدون شکستن شیشه ها باز کرده و تمام محتویات داخل آن را به پیغام برده بودند. بعد از این ماجرا پلیس را در جریان گذاشتم تا آن ها ردی از سارق یا سارقان پیدا کنند و به اموالم برسیم.

خبر

کشف جسد مرد ۴۵ ساله در ارتفاعات بیو

جسد مرد ۴۵ ساله ای که می گویند برای جمع آوری گیاهان دارویی به ارتفاعات بیو در جنوب بجنورد رفته بود، پیدا شد. به گزارش خبرنگار ما، روز گذشته خبری در فضای مجازی منتشر شد مبنی بر این که جسد مردی در ارتفاعات بیوی بجنورد پیدا شده که بخشی از بدن او از جمله صورت و انگشتانش مورد بی مهری حیوانات وحشی قرار گرفته است. اطلاعات خبرنگار ما حاکی است کشف این جسد توسط عده ای از کوهنوردان که راهی این منطقه صعب العبور شده اند گزارش شد.

به گفته خانواده متوفی، وی در ۲۶ فروردین همراه دوستانش برای جمع آوری گیاهان دارویی از منزل خارج شد اما متأسفانه دیگر برنگشت. گویا تحقیقات درباره علل این حادثه ادامه دارد و هنوز خبری از نتیجه این تحقیقات اعلام نشده است.

قالب حادثه



حادثه میدان امام علی(ع) شیروان

گفت و گوبا نخستین بانوی رئیس هیئت هندبال در کشور

نتایج خوب در گرو حمایت

سیما وحدانی

فعالیت هندبال سال هاست تحت تأثیر نداشتن سالن قرار گرفته است. از دغدغه های بی سالتی و نبودن بستر برای فعالیت در این رشته که بگذریم آن چه بیش از هر چیزی قابل توجه است حضور بانوی هندبالیستی است که بعد از سال ها فعالیت در هیئت و پرداختن به این رشته ورزشی سکان داری هیئت هندبال خراسان شمالی را بر عهده گرفت و نام خود را به عنوان نخستین بانوی رئیس هیئت هندبال در کشور در فدراسیون به ثبت رساند. این هیئت رنگ زرد بی حمایتی دیده است و قطعاً باید مسئولان ورزش هم به روسای هیئت هایی که بدون چشمداشت برای توسعه ورزش مورد علاقه خود تلاش می کنند توجه ویژه ای داشته باشند.

«فاطمه مرزی» که از سال ۱۳۸۱ در دانشگاه با هندبال آشنا شد همکاری خود با هیئت را از سال ۱۳۸۵ آغاز کرد و در سمت های متعددی نظیر مربی، نایب رئیس، دبیری و عضویت کمیته های متعدد هیئت فعالیت کرد و از بهمن سال ۱۳۹۷ سکان داری هیئت را در دست گرفته است.

برنامه ریزی کوتاه و بلند مدت هیئت هندبال

«مرزی» به هدف ها و برنامه ریزی های کوتاه و بلند مدت این هیئت اشاره می کند و می گوید: برنامه ریزی های بلند مدت در حوزه آموزش باید مستمر پیگیری شود تا بتوان تیم آماده ای را هر سال برای رقابت های متعدد پرورش داد که در این راستا به مربی مجرب نیاز داریم و در برنامه ریزی های کوتاه مدت برای رفع این معضل کلاس مربیگری در نظر گرفته شد. به گفته وی، کلاس مربیگری درجه ۳ ویژه آقایان، ۲ دوره در بجنورد و شیروان با کمک دانشگاه آزاد، دوره داوری بانوان، ۲ دوره در بجنورد و اسفراین، دوره مربیگری درجه ۳ بانوان به میزبانی بجنورد، اعزام به دوره های ارتقای مربیگری درجه یک در کرمانشاه ویژه آقایان و بانوان، اعزام به دوره های ارتقای داوری با توجه به این که در استان تنها یک داور درجه یک داریم و تمامی اعزام های خارج استان با هزینه های شخصی انجام می شود و کمک مالی از سوی هیئت نداریم، اعزام یک آقا و دو خانم به دوره ارتقای مربیگری درجه یک، اعزام به دوره درجه D جهانی که برای نخستین بار در ایران برگزار شد، حضور ۲ بانو در دوره داوری درجه ۳ هندبال ساحلی، حضور «الهام مرزی» در دوره درجه ۲ هندبال ساحلی و مربیگری درجه ۳ هندبال ساحلی از مهم ترین اعزام هایی بودند که طی این مدت انجام شد.وی از دیگر اقدامات مهم این هیئت به تشکیل هیئت های شهرستان های فاروج، اسفراین، گرمه و شیروان اشاره و ابراز امیدواری می کند: با حمایت اداره ورزش و جوانان شهرستان مانه و سملقان مسئول کارآمدی برای هیئت هندبال این شهرستان انتخاب کنند. «مرزی» به فعالیت های این هیئت اشاره و تصریح می کند: اعزام هندبالیست ها به المپیاد استعداد های برتر سال های ۹۷ و ۹۸ آقایان و بانوان و پذیرش دختران هندبال بجنورد

مقام آوری دختران هندبالیست استان در منطقه یک

به گفته رئیس هیئت هندبال خراسان شمالی، دختران هندبالیست استان در منطقه یک همواره صاحب مقام هستند و امیدواریم در کشور نیز بتوانیم حرف برای گفتن داشته باشیم.وی به برگزاری نخستین دوره جشنواره هندبال با ویلچر اشاره می کند که به میزبانی هیئت استان و هیئت جابجاران و معلولان انجام و قوانین این رشته در استان ترجمه و به فدراسیون ارسال شد.

یافت و سال گذشته نیز به خاطر کرونا امکان برگزاری مسابقه فراهم نشد.وی به حضور تیم دختران هندبالیست در تیم سرخ رود مازندران برای لیگ دسته یک اشاره می کند و می افزاید: بانوی هندبالیست اسفراینی نیز در لیگ دسته یک سبزوار بازی می کند. وی خاطر نشان می کند: از مهم ترین برنامه های امسال تشکیل تیم دختران و پسران برای مسابقات لیگ خواهد بود.

لژیونر هندبال استان در کشور

وی حضور «هانی زمانی» از لژیونر های این رشته ورزشی را در استان از زمینه های رشد این ورزش بیان می کند که هم اکنون با عنوان رئیس کمیته استعداد یابی استان فعالیت می کند.وی به اعزام داوران برای قضاوت در رقابت های هندبال منطقه یک اشاره می کند که «الهام مرزی»، «انیس نادری»، «فهیمة حسینی»، «مهسا مجرد» و «مهلا تقویان» در این رقابت ها حضور یافتند. «مرزی» به دیدار خود با رئیس فدراسیون هندبال اشاره می کند که با بیان دغدغه های خود توانست اعتبار جذب کند و توپ های ساحلی و سالتی نیز از سوی فدراسیون به هیئت داده شد. وی اظهار امیدواری می کند امسال بتواند رشته هندبال ساحلی را در استان راه اندازی کند.وی از مهم ترین اتفاقات هیئت به مشخص شدن کمیته های هیئت اشاره می کند به طوری که تمامی کمیته ها با انجام وظایف خود روند رو به رشدی برای هیئت خواهند داشت.

به گفته وی، المپیاد دانشجویی هندبال در استان در حالی برگزار شد که ورزشکاران مستعدی شناسایی شدند و می توانیم تیم قدری در لیگ داشته باشیم.وی ایجاد زمین هندبال ساحلی را هدف بسیار مهم هیئت می داند و امیدوار است مسئولان با حمایت از این رشته مهیج زمینه آن را فراهم کنند تا در کشور نیز حرف برای گفتن داشته باشیم.وی فعال کردن هیئت شهرستان ها، فعال کردن هندبال آقایان، اعزام به دوره های ارتقای داوری و مربیگری، تشکیل تیم استان، میزبانی رقابت های منطقه یک و فعال تر کردن کمیته همگانی با برگزاری جشنواره های متعدد را از مهم ترین برنامه های هیئت می داند. به گفته «مرزی» تمام این فعالیت ها مستلزم داشتن زمین هندبال ساحلی و سالتی است و انتظار می رود مسئولان به اندازه امکاناتی که هیئت ها دارند از نتایج و عملکرد آن ها انتظار داشته باشند.



و اسفراین به اردوی تیم ملی که برای نخستین بار اتفاق افتاد از موارد قابل ذکر است.وی به میزبانی هندبال منطقه یک پسران در رده نوجوانان اشاره می کند که سال ۹۷ با حضور هندبالیست های بجنورد، شیروان و گرمه انجام شد و همچنین میزبانی بجنورد از هندبالیست های منطقه یک دختران در سال ۹۸ را یادآور می شود که نونهالان استان به عنوان نایب قهرمانی دست یافتند. به گفته وی، مسابقات تقاضی من و هندبال نیز در رده سنی نونهالان در دبستان غیر دولتی یگانه برگزار شد. وی می افزاید: مسابقات منطقه یک جوانان دختر، فعال کردن شهرستان هایی که مربیان خوبی دارند اما رئیس هیئت ندارند و فعال کردن هیئت آن ها بر برنامه های این هیئت خواهد بود.



نخستین دوره هندبال با ویلچر کشور در بجنورد



کلاس ارتقای داوری درجه ۲ و ملی هندبال



رقابت های هندبال منطقه یک جوانان کشور

